



احمد غلامی

ایران با وضعیتی استثنائی روبه‌رو است، اما به ندرت کسی این وضعیت را جدی می‌گیرد. این وضعیت چیزی نیست جز تغییرات عمیقی که در راه است. به یک معنا ایران در شرف رخدادهای تاریخی تکینی است. تغییراتی که می‌بایستی در زمان و مکان مناسب خود رخ می‌داده که نداده است و اکنون چوتان آب پشت سد تاریخ در حال انتظار است و دنبال مفری است تا سرازیر شود و در مسیر خود هر آنچه را که سست و ناپایدار است با خود ببرد. انگار «روح تاریخ» در صیوروت تاریخی‌اش به لحظه موعود نزدیک شده است. این تاریخ خودمختاری که حاصل رویدادهای کوچک و بزرگ است، در جامعه ایران در سالیان سال به وقوع پیوسته یا برای تحقق آن مانع‌تراشی شده است. این تاریخ در سطح کلان است که در رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی آدم‌های ویژه خود را خلق می‌کند و در بزنگاه‌های تاریخی او را برمی‌کشد. وقتی از روح تاریخ حرف می‌زنیم، از تکه‌تکه‌هایی سخن می‌گوییم که تبعات ناخواسته این رویدادهاست که بر تبعات خواسته‌ای که بر اهداف جزئی استوار بوده، غلبه کرده است. اگر به عقب بازگردیم، با رخدادهایی مواجه هستیم که در تاریخ معطل مانده، رمزگشایی نشده و اینک به امروز ما راه یافته و مترصد جرقه‌ای است که شعله‌ور شود. رخدادهایی از جنس متفاوت؛ سقوط هواپیمای اوکراینی، سقوط هلیکوپتر رئیس دولت سیزدهم و چندین جریان متفاوت که همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. به باور هگل روح تاریخ همان حرکت و نیروی درونی تاریخ است که انسان‌ها را از یک مرحله ناآگاهی به سوی آگاهی، آزادی و تحقق آن در جامعه هدایت می‌کند. در سطح کلان جامعه ایران مستعد چنین رخدادی است، اما مردم ایران با اینکه خواسته و ناخواسته عامل این روح تاریخی بوده‌اند، چنان نسبت به آن بی‌اعتنا هستند که گویا هیچ فاعلیتی در تکوین این مسیر تاریخی نداشته‌اند و به انتظار نشسته‌اند تا شیخ تاریخ خود بر همه چیز سیطره یابد. با اینکه هگل به نقش فرد در تاریخ پندار اعتنایی ندارد، اما باور دارد که «حق مطلق روح جهان از همه حق‌های جزئی فراتر می‌رود؛ و در حرکتی که کل جهان را در بر می‌گیرد، افراد تنها ابزارهایی در خدمت کل هستند». آیا مردم ایران به این چشم‌انداز تاریخی بی‌اعتنا هستند و سرگرم کار و بار خویش و غرق در زندگی روزمره‌اند؟ شاید انتقادهای کارل لویت به تاریخی‌گری هگل، وضعیت کنونی مردم ایران را بهتر ترسیم کند. کارل لویت در برابر کل‌نگری روح مطلق هگلی باور دارد: «رخدادهای هر روز به تنهایی، یعنی تاریخی هر روز، در مقیاس خُرد چیزی از تاریخ جهان در مقیاس کلان را به ما نشان می‌دهند؛ زمان ما به‌ویژه می‌تواند به خود ببالد که روزانه تاریخ جهانی را در مقیاس کلان تجربه می‌کند. اما افزون بر تاریخ جهان در مقام یک کل، تاریخی که بدون توجه از کنارمان می‌گذرد، گونه‌ای رخداد دیگر نیز وجود دارد، رخدادی که کمتر توجه‌مان را جلب می‌کند. با این‌همه همان‌قدر واقعی است: رخدادهای ساده‌ای که در زندگی روزمره انسان اتفاق می‌افتند و رخدادهای یکتواختی که در جهان طبیعت وجود دارند». از این‌رو کارل لویت در تقابل آشکار با این اندیشه هگلی که بر رخداد غیرشخصی، انتزاعی و بزرگ تاریخی تأکید دارد، بر جنبه انسانی و طبیعی اتفاقات تاریخی یا می‌فشارد. اگر از منظر هگل، ما با روح تاریخ جهان روبه‌رو هستیم، کارل لویت با تأکید بر زندگی روزمره، از مضمونی نزدیک به «شیخ تاریخ» سخن می‌گوید.

❖ برای نوشتن این یادداشت از کتاب «کارل لویت: کاوشی نقادانه در باب تاریخی‌گری» نوشته برتولد ریسترر، ترجمه زانبار ابراهیمی، استفاده شده است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۴ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۱۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:

«شرق» از بن‌بست مذاکراتی در شرایط فعلی گزارش می‌دهد

تهران و چرخه فشار-تهدید

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



بن گزارش را در صفحه ۴ بخوانیدعکس Gettyimages

بازگشت تحریم‌ها، هند را از تنها بندر اقیانوسی ایران خارج کرد

جابه‌ار پس از اولتیماتوم

یادداشت

گردشگری و تحول پایدار؛ رویکردی برای آینده‌ای سبز



انوشیروان محسنی‌بندپی

معاون گردشگری کشور

تحول دیجیتال؛ موتور محرک توسعه پایدار

نمی‌توان از تحول پایدار سخن گفت و به فناوری و هوشمندسازی بی‌توجه بود. امروز هوش مصنوعی، کلان‌داده‌ها، پلتفرم‌های هوشمند و زیرساخت‌های دیجیتال، بنیان‌های اصلی هرگونه تغییر مثبت در گردشگری هستند. ما در معاونت گردشگری کشور برنامه‌ای جامع برای هوشمندسازی خدمات گردشگری در دست اجرا داریم که شامل ایجاد سامانه‌های یکپارچه معرفي مقاصد، پلتفرم‌های مدیریت سفر و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال برای رصد و کنترل اثرات زیست‌محیطی گردشگری است. فناوری نه‌تنها فرایندها را ساده‌تر و شفاف‌تر می‌کند، بلکه امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر، توزیع عادلانه‌تر گردشگران در مقاصد مختلف و کاهش فشار بر منابع طبیعی را نیز فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، تحول دیجیتال همان حلقه مفقوده‌ای است که می‌تواند گردشگری پایدار را از شعار به واقعیت تبدیل کند.

آینده‌ای که از امروز ساخته می‌شود

گردشگری و تحول پایدار شعاری نیست که تنها برای یک هفته در سال مطرح شود؛ این یک برنامه راهبردی برای سال‌ها و دهه‌های آینده است. ما در ایران نیازمند آن هستیم که با نگاه بین‌نسلی، منابع خود را حفظ کرده و در عین حال توسعه گردشگری را به موتور محرک اقتصاد ملی بدل کنیم. این امر مستلزم مشارکت همه‌جانبه است؛ از دولت گرفته تا بخش

یادداشت

هم تماشاگر، هم بازیگر؛ هم در عرصه، هم روی سکو



مهرداداحمدی‌شیخانی

تا به حال در یک بازی شطرنج دقیق شده‌اید؟ به صفحه شطرنج، به حرکت مهره‌ها،

به دو نفری که بازی می‌کنند، به آنهایی که بازی را تماشا می‌کنند که خود شما هم یکی از همین تماشاکاران هستید؟ البته آنچه می‌خواهم بگویم، در بالاترین سطح از بازی‌های شطرنج هم صادق است، ولی معمولاً وقتی بازیکنان در سطحی معمولی هستند، آنچه منظور دارم، بیشتر قابل درک و ملموس‌تر است. اگر تا حدی در این بازی تبحر داشته باشید و نه اینکه خیلی مبتدی باشید و بازیکنان هم در سطح خودتان باشند و نه از آنهایی که تازه با این بازی آشنا شده‌اند، خیلی پیش می‌آید که وقتی یکی از دو بازیگر حرکتی انجام می‌دهد، شما متوجه می‌شوید که می‌شد حرکت بهتری نیز انجام داد و حتی ممکن است آن حرکت انجام‌شده را اشتباهی بدانید که نهایتاً به باخت آن بازیکن منجر خواهد شد. دیدن یک بازی شطرنج، آن هم با فاصله، فاصله‌ای که شما درگیرش نباشید و برد و باخت بر شما بی‌تأثیر باشد، همیشه این امکان را فراهم می‌کند که بی‌دغدغه و با ذهنی بازتر حرکات را ببینید و از آنجا که شطرنج یک بازی پیچیده است که در آن حرکتی که الان به نظر می‌رسد حرکت چندان مهمی نیست، در چندین حرکت بعد است که معلوم می‌شود چقدر اهمیت داشته، ذهنی بسیار فعال و پویا لازم دارد. برای همین است که در این بازی از اصطلاح «دام‌گستری» استفاده

به بهانه درگذشت جین گودال

پیام‌آور صلح

میان انسان و طبیعت



برگزیده‌ها

بیانیه پخشان عزیززی از زندان

دولت آمریکا دست‌از جنگ‌طلبی و جنایت بردارد

آخرین خبرها درباره انفجار

در آزمایشگاه دانشکده فنی دانشگاه تهران:

«محمدامین» نزدیک‌ترین دانشجو به کپسول هیدروژن

بازیکنان خارجی استقلال چیزی شبیه کالای لوکس دکوری

دلارهایی بی‌ارزش‌تر از ریال



رئیس پژوهشگاه فضایی ایران در گفت‌وگو با «شرق»:

بدون ماهواره توسعه پایدار ممکن نیست

نگاه

منشأ زلزله زواره چه بود؟

یادداشتی از مهدی زارع

یادداشت

کوری اینترنت یا طالبان؟

تسلیم ۲روزه طالبان در قبال قدرت اینترنت



محمدحسین‌عمادی

جهان شاهد رویدادی بی‌سابقه اما درس‌آموز در افغانستان بود؛ قطع سراسری اینترنت و خطوط تلفن همراه در سراسر کشور. این رویداد یا به گفته برخی شهروندان افغانستان «کوری اینترنت»، به قدری حیرت‌انگیز بود که بسیاری آن را تجربه «بازگشت به عصر حجر» در قرن بیست‌ویکم نامیدند. این در حالی است که اینترنت در افغانستان با اقتصادی بسیار ضعیف، هنوز به‌طور گسترده در همه لایه‌های جامعه نفوذ نکرده و آمارهای رسمی نشان می‌دهد کمتر از ۲۰ درصد مردم به آن دسترسی دارند. همین میزان محدود از اتصال به شبکه جهانی نیز نقشی حیاتی و تأثیرگذار در زندگی اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی مردم یافته است. به همین دلیل، خاموشی چندروزه اینترنت نه‌تنها معیشت مردم عادی، بلکه اداره امور روزمره و حتی آینده خود حاکمان را هم در تنگنا قرار داد. در طول چهار سال حاکمیت طالبان، یکی از آرزوهای اعلام‌نشده اما جدی رهبری این گروه، به‌ویژه هیبت‌الله اخوندزاده، مهار کامل فضای مجازی و حتی قطع کامل دسترسی به اینترنت بود. رهبر طالبان بارها بر «پاک‌سازی جامعه از آلودگی‌های غربی» و «حفظ نسل جوان از فساد فضای مجازی» تأکید کرده است. برای او و طیف سخت‌گیر اطرافش، اینترنت نه ابزار توسعه و ارتباط، بلکه دروازه شیطانی ورود به جهان غیراسلامی و تهدیدی برای بقای فکری وایدئولوژیک طالبان به شمار می‌ورد. البته در چهار سال گذشته، برخی چهره‌های عمل‌گرای طالبان در حلقه رهبری نگاه متفاوتی داشتند؛ آنان به جای قطع کامل اینترنت، بیشتر به فیلترینگ و مدیریت محدودشده فکر می‌کردند؛ البته توان فنی و مالی آن را نداشتند و می‌دانستند ارتباطات دیجیتال، حتی برای اداره امور ابتدایی حکومتی، از جمله بانکداری، امنیت، تجارت دامیه‌در صفحه ۶ ضروری است.